

خواب ۴۵ درصد ظرفیت اقتصادی سواحل ایران

صفحه ۸ را بخوانید

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگار چوگان

فرهیختگان

شماره مسلسل ۲۴۸۲
سپتامبر ۱۴۰۱
۴ جمادی اول ۱۴۴۴
۲۹ شهریور ۲۰۲۲
شماره ۲۲۲۶

www.farhixtgan.ir | Tue | 29 Nov 2022 | vol.14 | No. 3746 | 16 Pages



لطفا جای دورین را عوض کنید

اثر نگاه ملی بر فرهنگ چیست؟

۱۶، ۱۷

فوتبال فراتر از یک ورزش حرفه‌ای بزرگ‌ترین تابلوی وحدت ملی است، شادی و غم نتیجه آن حاشیه‌ای بر حفظ هویت ملی است

یک تیم، یک ملت، یک پرچم

اعتراضات در چین تا چه اندازه‌ای واقعی است؟

تکرار تهران در پکن

۱۷

«فرهیختگان» بررسی کرد

۵۸ تغییر شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان

۱۶

چرا رسانه‌های اپوزیسیون در ماجرای یک زندانی خودزنی کردند؟

رونق بازار خالی بندی

۱۷

« گزارش »

هوشمندسازی بارانه آرد و نان

آقای دولت! کار را تمام کن!

فرهیختگان: با گذشت بیش از ۳ ماه از اجرای طرح هوشمندسازی بارانه آرد و نان، نتایج اجرای این طرح به‌ویژه از بُعد حرکت به سمت مدیریت داده‌محور، چشمگیر بوده است و نظام بارانه آرد و نان با اتکا به بانک داده ترانکشن‌های بانکی ۷۶ هزار نانوايي دارای کارتخوان مخصوص این طرح، اطلاعات ارزشمندی را برای تصمیم‌گیران جهت اصلاح فرآیند اختصاص بارانه آرد و نان فراهم کرده است. اگرچه آمار مربوط به بارانه آرد و نان و برآورد هدررفت آن قبل از اجرای این طرح بارها گفته شده است اما بد نیست ماجرا را بار دیگر از دریچه آمار مرور کنیم. قبل از اجرای این طرح مصرف ماهانه آرد بارانه‌ای (آرد خبازی) در کل کشور ۸۲۰ هزار تن و طی یک‌سال ۹،۸ میلیون تن بود. این در حالی است که با شفاف شدن جریان مصرف آرد بارانه‌ای در ماه‌های اخیر، مشخص شده که در خوشبینانه‌ترین حالت ۶۲۰ هزار تن از آرد بارانه‌ای به نان تبدیل و ۲۰۰ هزار تن آن از چرخه تولید نان خارج می‌شود؛ یعنی «ماهانه» حداقل ۱۸۰۰ میلیارد تومان!

به بیان ساده‌تر، اجرای این طرح تا همین جا، می‌تواند جلوی هدررفت حداقل ۲۱ هزار میلیارد تومان آرد بارانه‌ای در «سال» را بگیرد که اتفاق بزرگی است و جادار دارد به دولت و وزارتخانه‌های اقتصاد، جهادکشاورزی و کشور خداقوت گفت. ایجاد بستر مناسب برای حکمرانی موثر و درست در حوزه آرد و نان در حالی به انجام رسیده که هیچ‌گونه فشار قیمتی یا مصرفی به مردم وارد نیامده است. باین وجود، فاز بعدی طرح که افزایش کمک‌هزینه نان‌وایان و اختصاص سهمیه آرد متناسب با عملکرد است، هنوز اجرایی نشده و مسئولان درباره زمان اجرای فاز بعدی به دادن وعده بسنده کرده‌اند. ضرورت اجرای هرچه سریع‌تر فاز بعدی به این جهت است که کمک‌هزینه پرداختی دولت به نانوايي‌ها (معادل ۱۵ درصد فروش روزانه نان در هر نانوايي در پایان روز به‌عنوان کمک‌هزینه به حساب آن نانوايي واریز می‌شود) در برخی استان‌ها هزینه‌های سربار را کفاف نمی‌دهد و نانوايان بارها از دولت درخواست کرده‌اند یا قیمت نان را افزایش بدهد، یا کمک‌هزینه پرداختی به نانوايي‌ها افزایش یابد. بنابراین هر یک روز تاخیر در اجرای فاز بعدی طرح، به معنای انباشت ضرر و زیان این دسته از نانوايي‌هاست. ضمن اینکه تداوم هدررفت آرد بارانه‌ای که از جیب مردم است، حتی برای یک روز دیگر، هم پذیرفتنی نیست.

یکی از مزیت‌های مهم گام بعدی طرح این است که با شناسور شدن میزان تخصیص آرد (متناسب با عملکرد) به نانوايان، شاهد ایجاد رقابت برای فروش بیشتر و افزایش ساعات دسترسی مردم به خرید نان خواهیم بود.

درواقع گام دوم طرح هوشمندسازی بارانه آرد و نان مکمل گام نخست است و پاس گلی که در گام نخست داده شده را به گل تبدیل می‌کند. گلی که دستاورد اصلی آن برای نانوايان است و با افزایش کمک‌هزینه پرداختی، حمایت دولت از این صنف شریف را به نظر اشتهار مطلوب می‌رساند. بدیهی است حجم چشمگیر آرد بارانه‌ای که در همه سال‌های گذشته از چرخه تولید نان خارج شده، ذینفعانی دارد که به دلیل سودهای نجومی، از هیچ کارشکنی‌ای در مسیر اجرای طرح فروگذار نمی‌کنند. با این وجود انتظار می‌رود دولت با هوشیاری کامل نسبت به این مانع‌تراشی‌ها، هرچه سریع‌تر اجرای فاز بعدی طرح را کلید بزند.

پی‌نوشت

۱. برای اطلاع از جزئیات این موضوع می‌توانید به کتاب «معماران پول» نوشته دکتر حسین درودیان رجوع کنید.

« یادداشت »

ردپای دولت در خلق پول

از بانک مرکزی است، منجر شده دولت‌ها رغبت کمتری به آن داشته باشند و صرفاً در مواردی که چاره دیگری وجود نداشته باشد، سراغ این ابزار برای تأمین هزینه‌ها می‌روند. اما فروش اوراق مالی اسلامی در نگاه اول چون منجر به افزایش پایه پولی نمی‌شود، بهانه‌ای شده تا جذاب‌ترین ابزار در این شرایط به نظر برسد. یکی از موارد مورد تأکید دولت در سال جاری نیز پوشش کسری بودجه از محل فروش اوراق و عدم استقرار از بانک مرکزی است و از این موضوع به‌عنوان یک دستاورد مهم یاد می‌شود. اما آیا فروش اوراق، ابزاری خنثی و بدون عوارض است؟ آیا فروش اوراق میرزا پیامدهای توری است؟ در ادامه ابعاد فروش اوراق مالی اسلامی با هدف پاسخ به دو پرسش بالا تشریح می‌شوند.

فروش اوراق مالی اسلامی و ناپایداری مالی دولت

فروش اوراق مالی یکی از ابزارهایی است که به رشد بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی منجر می‌شود. اینکه چه سقفی از بدهی دولت در یک اقتصاد خاص مناسب است به شرایط اقتصاد مورد بحث مرتبط است، اما در مجموع رشد نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی می‌تواند تهدیدی برای پایداری مالی دولت قلمداد شود. پایداری مالی در شرایطی باخطر مواجه می‌شود که دولت نتواند یا منابع در دسترس، اصل و سود بدهی‌های پیشین خود را بازپرداخت کند و ناچار به خلق بدهی جدید باشد. در چنین شرایطی، دولت اعتبار خود را از دست خواهد داد و با از دست دادن ابزار استقراض، به سمت ورشکستگی حرکت خواهد کرد. تنها در شرایطی که نرخ تورم فراتر از نرخ بهره بدهی دولت باشد، حتی با افزایش رقم اسمی بدهی دولت، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کاهش می‌یابد و می‌توان ادعا کرد دولت پایداری مالی خود را حفظ کرده است. اما این شرایط صرفاً با بالا نگه داشتن نرخ تورم امکان‌پذیر است و می‌دانیم که تورم بالا چه صائیتی را برای اقتصاد به همراه دارد.

فروش اوراق و فشار بر نرخ بهره

زمانی که دولت دست به فروش اوراق بدهی می‌زند، نرخ بهره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با افزایش عرضه اوراق بدهی، نرخ بهره تحت فشار قرار می‌گیرد و بانک مرکزی برای حفظ سطح نرخ بهره

سیدمقداد ضیائیتار

پژوهشگر گروه اقتصاد و صنعت پژوهشکده حکمت

یکی از مهم‌ترین مسائل ریشه‌ای و ساختاری در اقتصاد ایران در چند دهه اخیر (به‌ویژه بعد از انقلاب)، بی‌انضباطی در مالیه عمومی بوده است. به زبان ساده می‌توان بی‌انضباطی مالی را فقدان توازن بین درآمدها و هزینه‌های دولت تعبیر کرد. به زبان عامیانه‌تر، چنانچه دخل و خرج دولت همخوانی نداشته باشد از آن به بی‌انضباطی مالی یاد می‌کنیم. مهم‌ترین شاخص بی‌انضباطی نیز کسری بودجه است. کسری بودجه فی‌نفسه پدیده شومی محسوب نمی‌شود اما چنانچه در بلندمدت تداوم یابد، تمام یا بخشی از آن صرف هزینه‌های جاری دولت شود (نظیر پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان دولت) و از روش‌هایی تأمین شود که به خلق تورم منجر شود، در این صورت باید نسبت به آن نگران بود و برای حل آن چاره‌ای اندیشید. بودجه دولت تقریباً در همه سال‌های بعد از انقلاب دچار کسری بوده است. در برخی سال‌ها (به‌ویژه سال‌های پس از جنگ و دوران بازسازی) وجود کسری بودجه اساساً امری منطقی و اجتناب‌ناپذیر بوده است. در برخی سال‌ها نیز کسری بودجه به دلیل رشد بی‌رویه برخی هزینه‌های غیرضروری افزایش پیدا کرده؛ در چنین سال‌هایی حداقل بخشی از کسری بودجه اساساً از ریشه منطقی و عقلایی اقتصادی برخوردار نبوده است. همان‌گونه که در ابتدای این یادداشت عنوان شد، صرف وجود کسری بودجه نمی‌تواند ما را به سمت اتخاذ یک قضاوت هنجاری سوق دهد. دلیل ایجاد کسری بودجه و مهم‌تر از آن، نحوه تأمین آن است که حائز اهمیت بوده و می‌تواند سرمنشأ جریان‌هایی در اقتصاد کلان باشد که یک سر طیف آن، به حرکت درآوردن موتور رشد اقتصادی و سر دیگر این طیف نیز ایجاد نوسانات مخرب در اقتصاد کلان، کاهش قدرت خرید پول ملی از کانال دامن زدن به تورم است. در اقتصاد ایران، بارزترین منبع تأمین کسری بودجه، منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی بوده است. در برخی از سال‌ها که درآمدهای نفتی با کاهش روبه‌رو بوده (به‌ویژه از ابتدای دهه ۹۰ و به‌واسطه تحریم‌های همه‌جانبه)، سایر ابزارها نظیر استقراض از صندوق توسعه ملی و فروش اوراق مالی اسلامی مورد توجه قرار گرفتند. از آنجا که استقراض از صندوق توسعه ملی از نظر ماهیت و تأثیر بر پایه پولی (پول بیرونی) مانند استقراض



@radiomazmoon

رادیومضمون

کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان